

زبان مخفی

جلوه گاه ذوق و طینت ایرانی

فتح‌الله عباسی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان شهرکرد
احمد رضا صیادی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان فسا

چکیده

زبان مخفی یکی از شاخه‌های زبان عامیانه است. ظرافت‌های خاص این زبان و درهم تنیدگی آن با زبان گفتاری باعث شده است که هیچ کدام از زبان شناسان، ملاک روشنی برای درک و بازشناسی آن ارائه ندهند. کوشش نگارنده بر آن است که با بررسی این دو شعبه زبان، کارکرد هر کدام را در قلمرو ارتباطات اجتماعی بررسی کند و ضمن آن، به ارزیابی کارهای انجام شده در این حوزه بپردازد.

کلیدواژه‌ها: زبان عامیانه، مخفی، ارتباط، اجتماع، جوانان، گونه

زبان مخفی، جلوه‌گاه ذوق و طبیعت ایرانی

به نام چاشنی بخش زبان‌ها

حلاوت بخش معنی در بیان‌ها

استاد عبدالعظیم قریب، از استادان نام‌آور ادب فارسی، در روزگاری که زمزمه‌هایی در مورد تغییر خط فارسی به گوش می‌رسید، «دستور زبان فارسی» خود را مطابق زبان شناسی روزگار خود نوشت و جلد آن را به این رباعی - که گویا سروده حضرت استاد بود- مزین کرد:

آن کو به زبان خویشتن درماند

نادان بود از دو صد زبان می‌داند

فرزند وطن به هر زبان ره جوید

دستور زبان فارسی گر خواند

زبان سحرانگیز فارسی که روزگاری بسیاری از شاعران و نویسندگان آن را در تقدس و شکوهمندی بدان پایه رسانیدند که کلام عرشیان را در سهولت و عذوبت بدان مانند می‌کردند، با این باور که «... از روزگار آدم تا روزگار اسماعیل پیغمبر، همه پیامبران و ملوکان زمین به پارسی سخن گفتند و اندکی خوش‌بینانه‌تر: «... ان کلام الذین حول العرش بالفارسیه و ان الله اذا وحی امرأه فیه لین اوحاه بالفارسیه...» (الکتنانی ۱۴۰۱ ق، ج ۱: ۱۳۶) که گویا ترجمان این سخن در کلام عنصری آمده است:

چو با آدمی جفت گردد پری

نگوید پری جز به لفظ دری

این زبان با همه فراز و فرودهای تاریخی‌اش، قطعاً تغییراتی را در سطوح واجی و صرف و نحوی و واژگانی پذیرفته که برآیند آن‌ها چندان هم به ضرر زبان نبوده و بر پویایی و عذوبت آن افزوده است. در این میان، صرف و نحو زبان دچار دگرگونی‌های بنیادی نشده است؛ چون اگر عمر دستور زبان‌های مکتوب و مدون فارسی را حدود دویست سال را در نظر بگیریم (چنان که «قواعد صرف و نحو فارسی» عبدالکریم بن ابی القاسم ابروانی در قرن سیزدهم و سنگ بنای دستور زبان مدون فارسی را در کتاب «دستور سخن» مرحوم میرزا حبیب اصفهانی در سال ۱۲۸۹ هـ. ق جست‌وجو کنیم) در رهگذر این سال‌ها قواعد دستوری زبان قواعد بسته‌ای بوده‌اند که تحت تأثیر زبان عربی نظیر («لسان العجم» میرزا حسن بن محمد تقی طالقانی) یا فرانسه («دستور زبان فارسی» شادروان عبدالعظیم قریب) و حتی ترکی («دستور کاشف» غلامحسین کاشف) مکتوب شده‌اند. به هر حال، در این سطح تغییرات محسوسی را مشاهده نمی‌کنیم اما در مقایسه با سیستم بسته صرف و نحو، سیستم باز واژگان - که نمودار توانایی و زایش زبان هر ملت و حتی فرهنگ ملت‌هاست - تغییرات پرحاشیه‌ای را پذیرفته است. زبان‌شناسان معتقدند که هر ملتی به فراخور پیشرفت‌های مادی و معنوی خویش از دایره واژگان محدود یا گسترده‌ای برخوردار است. لذا واژگان زبان به تناسب نیازها یا رشد می‌کنند یا متحول می‌شوند و حتی گاه از اعتبار ساقط می‌شوند اما شوق بی‌بنیاد واژه‌های نو ساخته^۱ نیز در طبع هر ایرانی نهفته است. از طرف دیگر، اگر بپذیریم که بدیهی‌ترین نقش زبان کارکرد ارتباطی آن است، از همین نقطه پیوند آن با جامعه‌شناسی آغاز می‌گردد و دامنه تغییراتش به نحو محسوسی به جامعه و تحولات آن مربوط می‌شود. «زبان به‌عنوان یک رسانه و ابزار فرهنگی بنابر مقتضیات دنیا و جامعه به‌وجود می‌آید و با شرایط انطباق پیدا می‌کند و همراه با تغییرات دیگر تغییر می‌کند.» (روح‌الامینی - ۱۳۷۵: ۱۷۸) لذا گفتار از منظر مردم‌شناسان رفتاری آگاهانه و اجتماعی تلقی می‌شود و حتی برخی از آن به‌عنوان «معجزه گفتار» یاد کرده‌اند: «گفتار کم‌نظیرترین و متداول‌ترین عملکرد انسان است. با وجود

این، از آنجا که به کارگیری آن معمولی، طبیعی و آسان است، تنها معدودی از ما قدرت خارق العاده آن را درک می‌کنیم» و در تشبیهی نغز آن را به «فلوتی» تشبیه کرده‌اند که ما انسان‌ها مانند میمون از آن تنها برای خاراندن بدن خود استفاده می‌کنیم! (دبلیو کلتز، ۱۳۷۶: ۱۷)

واژگان^۲ در مفهوم عام به مجموعه کلمات فعال یا غیرفعالی گفته می‌شود که سخن‌گویان هر زبان مقاصد خویش را با آن‌ها بیان می‌کنند. لذا عموم زبان‌شناسان بر این باورند که «واژگان» هر زبان آیینۀ تمام‌نمای فرهنگ سخن‌گویان آن زبان است؛ چنان‌که مثلاً: «مهر، ضریح، تربت، تقرب، و... نمودار فرهنگ شیعه است.» (صفوی، ۱۳۸۰: ۵۸) در هر حال، زبان معیار واقعیتی انکارناپذیر و بازتاب بسیاری از اندیشه‌ها و تخیلات و کنش‌های عاطفی است که به دلیل سیستم آوایی باز «رسوخ‌پذیر است و با سهولت در معرض تغییر و تحول.» (مشیری، ۱۳۷۳: ۶) واقعیت آن است که زندگی ما ایرانیان در مواجهه با تحولات دنیای جدید تغییرات اساسی کرده است. دنیای جدید اقتضات جدیدی دارد و تحولات بنیادین آن و گاه رو بنای زبان - به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه فرهنگ‌ساز ما - از این زاویه در خور تأمل است. یکی از شکل‌های بارز این تغییر را در گونه‌ها^۳ و کاربردهای مختلف زبان می‌توان مشاهده کرد و اگر ادعا کنیم که این کاربرد هم از ثمرات بیداری مردم و به تبع آن‌ها نویسندگان در عهد مشروطیت است، سخن به گزاف نگفته‌ایم. جمال‌زاده آگاهانه همان رسالتی را در نثر فارسی بر عهده گرفت که نیم‌در شعر دنبال کرد و آن‌قدر بر این باور پای فشرد که جامعه ادبی ایران در سال ۱۳۲۵ هـ.ق جریان نوگرایی شعر را به رسمیت شناخت (اشاره به نخستین کنگره شاعران و نویسندگان ایران)؛ تا آنجا که منوچهر شیبانی برای قرائت شعر از نیما دعوت به‌عمل آورد. جمال‌زاده برای نخستین بار کاربرد اصطلاحات عامیانه را در داستان‌های کوتاه و واقع‌گرایانه خویش رواج داد. این نوآوری و نواندیشی او حتی با اعجاب استادانی که کلام فاخرشان مزین به اصطلاحات و تعابیر پر طمطراق عربی بود، روبه‌رو شد؛ چنان‌که علامه قزوینی در نامه‌ای به تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۲۲، احساس خود را از خواندن داستان‌های او این‌گونه توصیف می‌کند: «... شاهد الله که از عمر خود برخوردار شدم و حلاوت عبارات روان‌تر از ماء زلال و گوارتر از ریح و سلسال آن کام روح و قلب بلکه تمام وجود مرا شیرین نمود. الحق در شیرینی و سلامت انشا و روانی عبارات و فصاحت لفظ و بلاغت معنی و انتخاب مواضع نمکین و در عین حال زبان رایج محافل، بلکه کوچه‌های تهران، است. از کلمات عامیانه و بازاری و مبتذل پاک بودن نمونه کامل العیار زبان فارسی حالیه است و اظهر صفات بارزه آن شیرینی و حلاوت است که هیچ لفظی دیگر پیدا نمی‌کنم برای تعبیر این حسی که انسان از این نوع انشا پیدا می‌کند...» (جمال‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۲۳) کار بزرگ جمال‌زاده و به تبع او هدایت، جلال آل‌احمد و... استفاده واژه‌ها و ترکیبات زبان عامیانه است، زبانی که یکی از زبان‌شناسان بزرگ معاصر در توصیف و تعریف آن می‌نویسد: «زبان روزمره همان زبان محاوره رایج، زبان مردم فرهیخته و یا نیمه‌فرهیخته و حتی زبان نوشتاری

کم و بیش آزادی است که فی‌المثل در مکالمات شخصیت‌های داستان به کار می‌رود و کاربرد آن دلالت بر روابط دوستانه یا همپایه میان گوینده و شنونده می‌کند. زبانی است که افراد خانواده در گفت‌وگو با یکدیگر به کار می‌برند و در ارتباط با مردم ناآشنا معمولاً از استعمال آن می‌پرهیزند، اما زبان عامیانه نه بر مفهومی اجتماعی - سیاسی بلکه بر مفهومی اجتماعی - فرهنگی دلالت می‌کند و آن عبارت است از کلمات و ترکیبات زبان محاوره مردم نیمه‌فرهیخته که بی‌قید و بند سخن می‌گویند و الفاظی به زبان می‌آورند که مردم فرهیخته از ادای آن‌ها، خاصه در محافل رسمی، به‌شدت احتراز می‌کنند... (نجفی، ۱۳۷۹: هفت) زبان عامیانه اصطلاحی کلی است که زبان مخفی را می‌توان از شاخه‌های اصلی آن به‌شمار آورد؛ با تأکید بر این نکته که زبان‌شناسان معتقدند هر زبان دو لایه یا وجه شناخته شده دارد: الف) زبان رسمی^۴ یا معیار^۵، ب) وجه موازی و همزاد و هم‌زیست آن زبان غیررسمی^۶ است که به آن خودمانی هم می‌گویند.

زبان معیار به‌نظر «رنستاین^۷»، از متخصصان برجسته جامعه‌شناسی زبان در عصر حاضر، «زبانی است که منطبق بر ملاک و هنجارهای طبقه حاکم باشد. طبقه حاکم از طریق نهادهای تحت تسلط خود مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه و... شکلی از زبان را که مورد نظر اوست گسترش می‌دهد.» (صادقی، ۱۳۷۶: ۹۸)

«نظر جامعه نیز نسبت به زبان معیار در سه خصوصیت است: ۱. وفاداری نسبت به آن ۲. وقوف به اصول و هنجارها ۳. مباهات به آن.» (همان: ۱۰۰) با نگاهی دقیق به آنچه گفته شد، می‌توان زبان مخفی را شعبه‌ای از زبان عامیانه (گفتاری) دانست که با توجه به تعریف ابوالحسن نجفی و سیدمهدی سمائی مهم‌ترین ویژگی‌های آن از این قرارند: «الف) خاص طبقه خصوصی چون دزدان، جوانان و... است. ب) فهم آن برای گروه‌های دیگر مشکل است. ج) واژگان خاص برخی گروه‌های اجتماعی یا صاحبان حرف است.» (سمایی، ۱۳۸۲: ۶)

زبان مخفی را نمی‌توان زبان مستقلی دانست اما چون متعلق به گروه‌های خاصی از جامعه است و از طرفی فو ظهور است و گروه‌های حادثه‌آفرین جامعه نظیر جوانان از آن استفاده می‌کنند، در سالیان اخیر به‌گونه‌ای جدی در عرصه مطالعات منظم دانشگاهی مطرح شده است. نکته ظریف‌تر اینکه در سالیان اخیر، مرادفات و روابط حداقلی خانواده‌ها از یک‌سو و فراهم نبودن زمینه گفت‌وگو در خانواده‌ها، بستر مناسبی برای تلویزیون به‌عنوان اصلی‌ترین منبع یاددهی اصطلاحات و... فراهم ساخته و جوانان ما به‌شدت برای برقراری با هم‌کلاسان و هم‌سالان خود وام‌دار تکیه کلام‌های برخی بازیگران تلویزیون هستند. نمونه این مورد شاید اصطلاح «تریپ خفن» (واژه تریپ: تغییر یافته ترکیب دو واژه تیپ و رپ: کسانی که براساس تیپ رپ لباس می‌پوشند و قیافه می‌گیرند. (کرامی، ۱۳۸۵: ۱۴۵) باشد که در شمار واژگان زبان مخفی است و در سال ۱۳۸۳ در یک سریال تلویزیونی به نام «تب سرد» به‌کار رفت. شاید در میان آن همه دیالوگ این سریال، فقط همین کلمه جلب

نظر کرده و بر سر زبان‌ها افتاده باشد.

با نگاهی دقیق به فهرست کلماتی که در شمار زبان مخفی آمده‌اند، یک ویژگی مشترک در آن‌ها می‌بینیم و آن همان چیزی است که به اعتقاد هاورانک^۹ زبان شناس چک، در آن‌ها از فرایند برجسته‌سازی^{۱۰} استفاده شده است. به توضیح روشن‌تر، «زمانی که این واژگان برای ایجاد ارتباط استفاده شوند، قاعدتاً در چنین بیانی، شیوه القای معنی گوینده چندان جلب نظر نمی‌کند.» (صفوی، ۱۳۸۰: ۵۸) و قاعدتاً اعمال برجسته‌سازی وقتی امکان‌پذیر است که از آنچه «هنجار» نامیده می‌شود، عدول گردد. به تعبیر دیگر، «هنجار گریزی» - که همان انحراف از قواعد شناخته شده زبان است - به کمک واژه‌ساز می‌آید. فرد تا در سطح و لایه رسمی اجتماعی حضور دارد یا مجبور به استفاده از منابع رسمی است، باید قواعد زبان را بشناسد و به کار گیرد تا قانوناً دچار مشکل نشود اما وقتی به محیط‌هایی نظیر خانواده و جمع دوستان - که نوعاً اجتماعاتی غیررسمی محسوب می‌شوند - قدم می‌گذارد، الزاماً زبان‌ش نیز متناسب با موقعیت به گونه‌ای دیگر می‌گردد. در اینجا با استفاده از راهکارهای واژه‌گزینی - که زبان‌شناسان به آن‌ها اشاره کرده‌اند یعنی وام‌گیری، بسط معنایی، ترکیب نحوی به کمک دستگاه صرفی و نحوی - به تولید لغات و ترکیباتی می‌پردازد تا بتواند با کاربرد آن‌ها از مؤانست با معاشران خویش لذت ببرد. چنین کاری از یک سو مثبت تلقی می‌شود؛ از آن رو که در حقیقت جلوه‌ای از توانایی بالقوه زبان را آشکار می‌سازد. چرا که «زبان اگر راكد بماند، از درون رو به فساد می‌نهد. زبان اگر بخواهد برای رفع نیازهای فرهنگی کفایت نشان دهد، ناگزیر باید امکانات بالقوه آن به فعل درآید. برای این امکانات حد و حصری نمی‌توان نشان داد اما غنی کردن زبان دو راه دارد:

الف) تتبع در آثار گذشتگان، ب) مایه گرفتن از زبان و فرهنگ مردم و زبان‌های محلی.» (سمعی، ۱۳۷۵: ۱۸۴) استاد پرویز خاںلری هم با اعتقاد به توانمندی زبان معتقد بود که «زبان را باید وسعت داد و یکی از مهم‌ترین وسایل این کار یاری خواستن از الفاظ و اصطلاحات تازه‌ای است که عامه مردم بر حسب احتیاج خود به کار می‌برند.» البته هشدار قابل تأملی هم ارائه می‌دهد: «این کار نباید چنان بی‌پروا انجام گیرد که هر نویسنده‌ای زبان محلی یا شهر یا ده خود را وسیله بیان قرار دهد و ملوک الطوائف ادبی برقرار شود.» (خانلری، ۱۳۶۶: ۲۰۰) قطعاً اگر این هشدار جدی گرفته نشود، شاهد بروز ناهنجاری‌هایی در عرصه زبان خواهیم بود که در دراز مدت نوعی گسست فرهنگی میان نسل‌ها پدید می‌آورد و خطرهای محسوس و بعضاً نامحسوس را متوجه زبان پویای فارسی می‌کند. به کارگیری زبان عوام از تبعات تفکری بود که از ابتدای انقلاب مشروطیت ادعای تغییر و تجدید ادبی داشت. قطعاً از بارزترین نمایندگان این تفکر می‌توان ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی، ایرج میرزا، دهخدا و ملک‌الشعراى بهار را نام برد که همگی بر این باور بودند که حلاوت در نوگویی و نوجویی است؛ اگر چه در این نوگرایی اختلاف سلیقه داشتند. چنان‌که ایرج میرزا نخواستی را در استفاده تعمّدی از واژگان فرانسوی می‌دانست.

اگر چه بعدها این اقبال به زبان عامیانه متمایل گردید و بعد با زبان کوچه و بازار غنای خاصی به سخن خویش بخشید. (عباسی، ۱۳۸۶: ۱۲۳) مثلاً:

صف کشیدند «پدر سوخته‌ها»

چشم بر منصب هم دوخته‌ها

که به تعبیر غلامحسین یوسفی، «کلمه‌ای دیگر نمی‌توان یافت که بهتر از پدر سوخته‌ها بد منشی گروهی چشم بر منصب هم دوخته را نشان دهد.» (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۶۰)

ادیب‌الممالک فراهانی لغات داستیری (لغات مجعول و بی‌ریشه فارسی) و مرحوم وحید دستگردی با گوشه چشمی به پیشرفت آلمان، واژه‌های آلمانی را در شعر خویش به کار می‌بردند. قطعاً علم‌دار این تغییر آگاهانه دهخدا بود که لزوم رویکرد به زبان عامه را سفارش می‌کرد. با این باور که «عامه همیشه واضعین لغت‌اند، مفاهیمی را درک می‌کنند و الفاظی در ازاء آن مفاهیم ادا می‌کنند [که] هر یک با ذوق صاحبان آن زبان راست می‌آید، برجای می‌ماند... کلمات بسیاری در تداول عوام است که گاهی مرادفی در زبان ادبی دارد و گاه ندارد و برای توانگر شدن زبان، استعمال هر دو نوع آن کلمات به گمان من لازم است از این رو از آن‌ها آنچه را به‌خاطر آمده در این کتاب (مراد لغت‌نامه) گرد کرده‌ام؛ مانند: «تیله» که به معنای قطعات شکسته سفال است و مرادفی برای آن نیافت‌ام یا «جَخْد» [جَخْت مثل نَشْد/ نشت] که به معنی زور، مگر و منتهی است.» (دهخدا، لغت‌نامه مقدمه: ۴۰۴)

زبان عامیانه - زبان مخفی

واقعیت آن است که کسانی که از ابتدا در باب زبان مخفی تحقیق کرده‌اند و از دهه ۱۳۸۰ شمسی آن را به عنوان ضرورتی فرهنگی - اجتماعی در قلمرو زبان مطرح ساخته‌اند، از یک نکته غفلت نموده‌اند و آن مرزبندی دقیق زبان محاوره و زبان مخفی است. البته تا حدودی هم می‌توان به آن‌ها حق داد؛ زیرا چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، زبان مخفی را می‌توان یکی از شعبه‌های خاص زبان عامیانه شمرد که البته شمول زبان عامیانه را ندارد اما بار معنایی خاص آن باعث شده که فراتر از فقه اللغة و اسلوب‌های لفظی، با پیروی از روش‌های علمی بدان پرداخته شود. ظاهراً این مشکل (آمیختگی زبان مخفی با زبان عامیانه) در زبان انگلیسی نیز وجود دارد. بسیاری از فرهنگ‌های انگلیسی آن را معادل زبان یا بیان عامیانه می‌دانند. دکتر اختیار در کتاب «معنی‌شناسی» این واژه را «سخن گفتن مردم کوچه و بازار» و محمدرضا باطنی، زبان‌شناس و فرهنگ‌نگار شهپیر، «اصطلاحات عامیانه» تعریف کرده‌اند. یک فرهنگ تازه منتشر شده انگلیسی هم در تعریف آن آورده است: «واژگانی بسیار غیررسمی که اغلب کسانی که به گروه خاصی وابسته‌اند، آن‌ها را به کار می‌برند؛ برای مثال، «جوانان، تبهکاران/ قانون‌شکنان یا سربازان و ارتشی‌ها و غیره.» (oxford، ۱۹۹۲) (خرم‌شاهی، ۱۳۸۰)

این فرهنگ معتبر منشأ این کلمه را نامعلوم و آغاز کاربرد آن را از قرن هیجدهم می‌داند و در تبیین آن می‌نویسد: «مجموعه‌ای

[است] از کلمات و عبارات دائم‌التغییر محاوره‌ای/ گفتاری که عموماً از نظر سطح اعتبار اجتماعی، فروتر از زبان معیار^{۱۱} نگاشته می‌شود. (همان: ۴۰۶)

به هر حال، چون گونه غیررسمی زبان است و از طرفی پیچیدگی‌های اجتماعی و روانی در لابه‌لای آن تنیده شده، می‌توان آن را زیرمجموعه‌ای کلمات گویشی/ لهجه‌ای^{۱۲} و کاربرد محلی/ منطقه‌ای^{۱۳} زبانواره^{۱۴} و محاوره‌گرایی^{۱۵} و عوامانه‌گویی^{۱۶} زبان شکسته و رمز آلود^{۱۷} به حساب آورد. زبانی که از سویی همه کلمات آن در محدوده لغات ممنوعه (تابوهای زبان) نیستند و از این رو به بخش محاوره‌ای زبان تعلق دارد، اما این گونه نیست که هر تعبیر محاوره‌ای کمابیش معادل عامیانه باشد؛ چون پاره‌ای از لغات این زبان در زبان مکتوب کاربرد ندارند. لذا عمر زبان مخفی بسیار کوتاه‌تر از زبان عامیانه و ثابت و پایایی‌اش نیز کمتر از آن است اما به تعبیر دیوید کریستال، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای این زبان نوظهور برشمرد:

۱. خوشایندی و دلنشینی، ۲. حکایت‌گوی ذوق و نکته‌دانی، ۳. متفاوت‌نمایی، ۴. غرابت‌نمایی، ۵. گیرایی، ۶. فراتر از تکرار مکررات و کلیشه‌گویی، ۷. غنی‌ساز زبان، ۸. افزایش عینیت، یعنی جان و جوهر دادن به زبان، ۹. رفع تکلف، ۱۰. بهره‌وری از سرزنده بودن حالت‌گوینده/ جنبه گفتاری زبان، ۱۱. تسهیل مناسبات اجتماعی، ۱۲. نشان دادن جایگاه فردی و اجتماعی گوینده، ۱۳. افزایش حالت محرمیت. (Crystal: ۱۹۸۷: ۵۸)

به هر روی، امروزه دایره این تقسیم‌بندی (عامیانه/ مخفی) به قدری تنگ شده و لایه‌های چندگانه آن چنان در هم تنیده‌اند که آدمی به همان نتیجه‌ای می‌رسد که سال‌ها قبل استاد سعید نفیسی بیان داشته است: «... در هیچ زبانی به دو دسته از کلمات، یعنی فصیح و عامیانه، نمی‌توان قائل شد. اصلاً هر چه مردم کشوری برای مقصود معینی ادا می‌کنند، زبان آن مردم و آن کشور است و از مردم در سخن گفتن گواهی‌نامه لیسانس یا دکتری نمی‌توان خواست...» (نفیسی، ۱۳۲۹: ۳)

نگرش بسیاری از بزرگان که ابتدا در این زمینه کارهای علمی انجام داده‌اند، تقریباً به همین منوال بوده است. نخستین کار عالمانه در حوزه ادبیات عامیانه را سید محمدعلی جمال‌زاده انجام داد. او حدود ۳۵۰ لغت و ترکیب عامیانه را با این قصد که «مجموعه ذیل مجموعه‌ای است از کلمات عوامانه یا عوام‌نمای فارسی که عموماً در کتب لغت و فرهنگ مضبوط نیست» (جمال‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۵) جمع‌آوری کرد و بعدها در سال ۱۳۳۸ با توسعه و تکمیل آن «فرهنگ لغات عامیانه» را منتشر ساخت. جمال‌زاده در مقدمه ۱۰۴ صفحه‌ای خود بر این کتاب، انگیزه‌ها و مقاصد خویش را بیان کرده که ترسیم و تبیین مرزهای روشنی میان زبان عامیانه و زبان مخفی و محاوره‌ای از جمله آن‌هاست. او بر این نکته تأکید می‌کند که روزی در «یکی بود یکی نبود» این سنگ بنا را نهاده اما بعدها حتی سیاست‌مداران کشور هم در نطق‌های خود از آن استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که سیدحسن تقی‌زاده در مجلس

شورای ملی در ۲۲ بهمن ۱۳۱۰ واژه «دلخوش کنک» را به کار می‌برد و محمدعلی فروغی واژه «سَمبل» به معنی شلخته‌کاری، بی‌دقت کار کردن و... را «استعمال می‌نماید. (جمال‌زاده، ۱۳۳۸، مقدمه) به لحاظ سابقه، کار گسترده بعدی قطعاً «کتاب کوچه» از احمد شاملوست که به تعبیر محقق «بیشتر فرهنگ عامه است تا عامیانه». (خرم‌شاهی، ۱۳۸۰: ۴۰۰) در این حوزه همچنین می‌توان از «فرهنگ معاصر» تألیف رضا انزابی‌نژاد و منصور ثروت نام برد که ابتدا در سال ۱۳۶۶ از سوی «انتشارات امیرکبیر» و در سال ۱۳۷۷ با ویرایش و افزوده‌های تازه از سوی «انتشارات سخن» منتشر شد. مؤلفان این کتاب کار خود را مکمل فرهنگ جمال‌زاده می‌دانند؛ با اذعان به اینکه «... از آنجا که مرزهای دقیق لغات عامیانه و رسمی در ادبیات، همچون زبان انگلیسی و فرانسه روشن نیست و ما نیز نتوانستیم به تسمیه قطعی در تعیین چهار چوب درست لفظ «عامیانه» برسیم، بنابراین نام فرهنگ حاضر را «فرهنگ معاصر» نهادیم.» (مقدمه: ۵ و ۶) غلامحسین صدری‌افشار و خانم‌هانسرین و نسترن حکمی نیز در «فرهنگ فارسی عامیانه و فرهنگ فارسی امروز» تعریف روشن و دقیقی از فرهنگ عامیانه ارائه نداده‌اند. «فرهنگ فارسی عامیانه» (۱۳۷۹) استاد/پروفسور/حسن نجفی به گونه‌ای علمی به بازشناسی زبان عامیانه و مخفی پرداخته و در مقدمه در معرفی واژگان عامه، آن را «زبان روزمره» یا «زبان عامیانه» نامیده است که در مرتبه گفتار به کار گرفته می‌شود: «ما زبان فارسی در مرتبه گفتار شیوه‌های بیانی دیگری هم دارد که آن‌ها را «زبان روزمره» و «زبان عامیانه» نامیده‌ایم.» (نجفی، ۱۳۷۹: ۷) گرچه در تعریف زبان مخفی همان‌طور که در مقدمه مقاله گذشت حد و مرزهایی تقریبی برای آن مشخص می‌سازند، در ادامه اقرار می‌کنند که «مرز زبان عامیانه و زبان روزمره معیار را نمی‌توان به‌دقت مشخص کرد.» (همان: ۷)

دهه هشتاد شمسی از حیث اختصاصی کردن این مبحث دهه پربراری محسوب می‌شود؛ از آن‌رو که چند فرهنگ تخصصی در این زمینه تدوین گردیده است نخست «فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان» اثر مهشید مشیری (انتشارات آگاهانه ایده/ ۱۳۸۰) و کتاب «سالن ۶»، سیدابراهیم نبوی، طنزپرداز معاصر، که دربردارنده حدود ۶۰۰ اصطلاح خاص زندانیان است، اما شاید این دو اثر زمینه تألیف دو فرهنگ اختصاصی در باب زبان مخفی باشند: «فرهنگ لغات زبان مخفی» (با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان) اثر سیدمهدی سمائی (نشر مرکز/ ۱۳۸۲) و «مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی» تألیف محمود اکرامی (نشر ایوار مشهد/ ۱۳۸۴) که در هر دو از روش کتابخانه‌ای و میدانی باز استفاده شده است و هر دو در نوع خود علمی‌ترین تحقیق‌ها در این زمینه محسوب می‌شوند. در این دو کتاب از «فرهنگ جبهه» اثر سیدمهدی فهیمی به نیکی یاد شده است. به‌ویژه جلد سوم آن با عنوان «شوخی‌طبعی‌ها» (چاپ اول/ ۱۳۷۱)

ادامه مطلب در صفحه ۹۵

ادامه مطلب از صفحه ۳۷

و جلد دیگر آن با نام «فرهنگ جبهه» (اصطلاحات و تعبیرات / ۱۳۷۴) که بسیاری از اصطلاحات و تکیه کلام‌های رزمندگان در فیلم‌های جنگی - که بعد از انتشار این کتاب ساخته شده‌اند - قطعاً تحت تأثیر این کتاب بوده‌اند و این نکته انکار ناشدنی است. (برای نمونه فیلم «اخراجی‌ها» اثر مسعود ده‌نمکی، که بی‌تردید دیالوگ‌های آن از این اثر ارزشمند تأثیر پذیرفته و همین باعث اقبال و توفیق چشمگیر آن شده است.)

نتیجه

زبان مخفی - که البته به اقرار مؤلفان کتاب‌های «فرهنگ لغات زبان مخفی» و «مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی» وام گرفته از زبان انگلیسی است - شاید همان اصطلاح «زبان خودمانی» باشد که محمد معین آن را این‌گونه تعریف کرده است: «واژه خودمانی، به معنی خصوصی بی‌تعارف و بی‌تکلف.» (معین، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۴۵۳) می‌توان گفت اصطلاح واژگان خودمانی «مجموعه‌ای از کلمات گفتاری و اصطلاحاتی است که قشر خودمانی از مردم (جوانان و...) برای بیان و انتقال معانی و پیام‌های خصوصی خود، بدون هیچ تعارف و تکلفی به کار می‌برد.» (اکرامی، ۱۳۸۵: ۲۸) در نهایت، زبان مخفی را می‌توان شاخه خصوصی تری از زبان عامیانه دانست که وسیله بیان احساسات و ادراکات ساده و مورد نیاز فردی و اجتماعی است و اصطلاح عوام در این محور، عموماً به کسانی اطلاق می‌شود که از لحاظ علم و اطلاع و احاطه بر فرهنگ و ادب و سخن‌دانی جزء خواص جامعه محسوب نمی‌شوند و به‌هنگام گفت و شنود کارکردهای مختلف زبان را مدنظر قرار می‌دهند. به تعبیر روشن‌تر، فراتر از نقش ارتباطی زبان، تداعی معانی ویژه، بار عاطفی و اخلاقی، بروز واکنش‌ها و تحریک احساسات، ایجاد صمیمیت و... از اهداف عمده زبان مخفی است و از آنجا که این زبان به‌واسطه جاذبه‌های آوایی و معنایی بیشتر در میان جوانان و اقشار خاصی از جامعه رواج دارد، نمی‌توان از کنار آن

گذشت. اگر به گونه‌ای علمی و ضابطه‌مند به تحلیل‌های اجتماعی و ساختاری زبان مخفی بپردازیم، قطعاً نوعی ناهنجاری دل‌آزار تلقی نخواهد شد و سرچشمه‌های دیگری از طبیعت عنصر ایرانی و بالندگی زبان مینوی فارسی را به همگان نشان خواهد داد.

پی‌نوشت

1. neologism
2. Vocabulaire
3. Variant
4. Format
5. official or standard
6. sub- standard or informat
7. Bernstein
8. norm
9. Havranek
10. Fourgerounding
11. Standard language
12. Dialect
13. Regionalisms
14. Jargon
15. Colloquialism
16. Vulgarity
17. Flosch

منابع

۱. اکرامی، محمود؛ مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی، نشر ایوار، چاپ سوم، مشهد، ۱۳۸۵.
۲. انزلی‌نژاد، رضا و منصور ثروت؛ فرهنگ معاصر، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۳. الکتانی، ابوالحسن؛ تنزیه الشریعها لمرفوعة، بیروت، ۱۴۰۱.
۴. پورجوادی، نصرالله؛ درباره زبان فارسی (برگزیده مقاله‌های نشر دانش)، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۵. جمال‌زاده، سیدمحمدعلی؛ فرهنگ لغات عامیانه (به کوشش محمدجعفر محبوب)، انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۸.
۶.؛ یکی بود، یکی نبود (به کوشش علی دهیانی)، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۷. حق‌شناس، علی‌محمد؛ زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، نشر آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ چشم‌ها را باید شست، انتشارات قطره، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۹. دابلیو، کانتر جان؛ ارتباط گفتاری میان مردم، مترجم: سید اکبر میرحسینی، قاسم کبیری، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۱۰. رحمتی، یوسف؛ فرهنگ عامیانه (با مقدمه استاد سعید نفیسی) تهران، ۱۳۲۹.
۱۱. روح‌الامینی، محمود؛ گرد شهر با چراغ، کتاب زمان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۲. سمائی، سیدمهدی؛ فرهنگ لغات مخفی، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۳. صفوی، کوروش؛ گفتارهایی درباره زبان فارسی، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۴. فهیمی، سیدمهدی؛ فرهنگ جبهه (ج ۳ شوخ‌طبعی‌ها)، سازمان چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۵. مشیری، مهشید؛ ده مقاله درباره زبان، فرهنگ، ترجمه، نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۶.؛ فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان، چاپ اول، انتشارات آگاهان ایده، ۱۳۸۰.
۱۷. نائل خانلری، پرویز؛ زبان‌شناسی و زبان فارسی،

انتشارات توس، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
۱۸. نجفی، ابوالحسن؛ فرهنگ فارسی عامیانه، نشر نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۹. یوسفی، غلامحسین؛ چشمه روشن، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

مقالات:

۱. صادقی، علی‌اشرف، «زبان معیار»، مجموعه مقالات «در قلمرو آموزش زبان و ادب فارسی»، دفتر نخست، ناشر مجمع علمی آموزش زبان فارسی - چاپ اول - ۱۳۷۶.
۲. عباسی، فتح‌الله، «فراز و فرود در شعر ایرج میرزا» مجموعه مقالات «طالع مسعود» (سپاس‌نامه استاد مسعود تاجی)، چاپ اول، ۱۳۸۶.

منابع خارجی:

1. The oxford companion the English language. Edited by Tom Mc Arthur (oxford, New York oxford University press, 1992)

ادامه مطلب از صفحه ۵۹

سنایی همچنین سه مثنوی مهم عرفانی سروده است. مثنوی حدیقه‌الحقیقه او به‌عنوان یکی از الگوهای مهم مثنوی معنوی مولانا، اهمیت فراوانی در تاریخ ادبیات دارد.

ای درون پرور برون آرای

و ای خرد بخش بی‌خرد بخشی

خالق و رازق زمین و زمان

حافظ و ناصر مکی و مکان

ب. یکی از تفاوت‌های ادبی سبک خراسانی و سبک عراقی با دقت در ردیف اشعار، آشکار می‌شود. ردیف در سبک خراسانی، ساده، تک‌واژه‌ای و کوتاه بوده است ولی در سبک عراقی تلاش می‌شود تا از ردیف‌های طولانی‌تر، دشوارتر، ترکیب‌های اسمی و فعل مرکب برای هنرنمایی استفاده شود. از این نظرگاه، نیز اشعار سنایی به سبک عراقی نزدیکی بیشتری می‌یابد:

ای منز ذات تو «اما یقول الظالمون»

گفت علمت جمله را «ما لم تکونوا

تعلمون»

چون منز باشد از هر عیب ذات پاک تو

جای استغفارشان باشد «ما هم

یستغفرون»

امر امر توست یا رب با پیمبر در نبی

گفته ای «ان ابرمو امر افانا مبرمون»

(دیوان سنایی: ۲۷۳)
